

# بیانیه یوستون

برای نوسازی یک سیاست پیشرو

## الف- سرآغاز

ما دموکرات و پیشرو هستیم. ما در این بیانیه می‌خواهیم صفبندی سیاسی جدیدی پیشنهاد کنیم. بسیاری از ما به جنبش چپ تعلق داریم، اما اصولی که در اینجا پیش می‌نهم مختص به چپ نیستند. بلکه ما از چپ سوسیالیستی فرارفته و با لیبرال‌های برابری‌خواه و دیگر گرایش‌های دموکراتیک مصرح صفبندی می‌کنیم. در حقیقت، پیکر بندی دوباره‌ای که ما برای سیاست پیشرو در نظر داریم، خط فاصلی می‌کشد میان نیروهایی از چپ که به ارزش‌های اصیل‌شان وفادار مانده‌اند و جریان‌هایی که در این اواخر نسبت به چنین ارزش‌هایی سهل‌انگارانه برخورد کرده‌اند. صفبندی مجدد ما در واقع همراهی با دموکرات‌های اصیل است، حال چه سوسیالیست باشند و چه نباشند.

ابتکار حاضر از طریق اینترنت، به‌ویژه "فضای وبلاگی"، شکل گرفته است و موسسان خود را هم از همین طریق یافته. با این‌حال، تلقی ما این است که این موسسان در محیط‌های دیگر – یعنی در بیشتر رسانه‌ها و سایر سخن‌گاه‌های زندگی سیاسی معاصر- مجال ابراز نظر نمی‌یابند.

بیان گشوده اصولی که در پی می‌آیند به منزله اعلام مرام است. برای این بیانیه سایت ویژه‌ای گشوده شده است که همچون منبعی برای جریان عقایدی که امید می‌رود حول آن شکل بگیرد و پیوندگاه وبلاگ‌ها و سایر سایت‌هایی که در دعوت به این صفبندی جدید نقش داشته‌اند عمل خواهد کرد.

## ب- تشریح اصول

### 1. دفاع از دموکراسی

ما به هنجارها، روندها و ساختارهای دموکراتیک پایبند هستیم — یعنی به آزادی عقیده و آزادی تشکلها، انتخابات آزاد، تفکیک قوای مقننه، قضائیه و مجریه، و جدایی دین و دولت. ما به سنتها و نهادها و میراث حکمرانی شایسته در کشورهایی که در آنها دموکراسی‌های لیبرال و کثرت‌گرا برقرار بوده است ارج می‌گذاریم.

### 2. هیچ دفاعی از جباریت پذیرفته نیست

ما عذر تراشی، و "مفاهمه" بیش از حد، را با حکومت‌ها و جنبش‌هایی که دموکراسی را دشمن منفور خود می‌دانند نمی‌پذیریم — حکومت‌هایی که مردمان خود را سرکوب می‌کنند و جنبش‌هایی که در هوای چنین کاری هستند. ما میان خود و گرایش‌های چپ-لیبرالی که امروزه بی‌صبرانه در دفاع از چنین نیروهای سیاسی‌ای توضیحات معتذرانه ارائه می‌دهند خط فاصلی قاطع می‌کشیم.

### 3. حقوق بشر برای همه

ما معتقدیم حقوق اساسی بشر که در اعلامیه جهانی تدوین یافته است باید حقیقتاً جهان‌شمول باشند، و باید همه دولت‌ها و همه جنبش‌های سیاسی، و در حقیقت همه افراد به آن مقید باشند. نقض این حقوق، مستقل از زمینه فرهنگی‌ای که در آن رخ می‌دهند، برابر است با محکومیت هر آن‌که مسئول چنین تجاوزی است. ما با برخورد دوگانه بسیاری از نیروهایی که خود را مدعی عقاید پیشرو می‌خوانند مخالفیم؛ برخوردی که تجاوزهای کوچکتر (که به‌هر حال تجاوز هستند) به حقوق بشر در سرزمین‌های خود یا تعدی‌هایی که مسئول آن دولت‌های ناخوشایندشان هستند را رقت‌انگیزتر از تجاوزهای دیگری می‌یابند که آشکارا و خیمتر هستند. ما همچنین دیدگاه نسبی‌گرایانه فرهنگی‌ای را که می‌گوید این حقوق اولیه بشر برای برخی از کشورها یا ملت‌ها مناسب نیستند رد می‌کنیم.

### 4. برابری

ما به یک سیاست عموماً برابری‌خواه معتقدیم. ما خواهان بهبود روابط میان جنسیت‌ها (تا تحقق کامل برابری جنسیتی)، روابط میان قومیت‌های مختلف جوامع، روابط میان پیوستگی‌های دینی و غیر دینی، و میان مردمان با گرایش‌های مختلف جنسی هستیم — چنان که خواهان برقراری برابری اجتماعی و اقتصادی در همه ابعاد هستیم. ما مسئله بهترین شکل اقتصادی برای تحقق این برابری را باز می‌گذاریم چرا که در بین خودمان در این مورد اتفاق نظر نداریم، اما از منافع کارکنان در هر جا که باشند و از حق آنها برای سازمان‌دهی برای دفاع از این منافع حمایت می‌کنیم. اتحادیه‌های دموکراتیک، سازمان‌هایی اساسی برای دفاع از منافع کارگران و یکی از مهمترین نیروهای حامی حقوق بشر، ارتقاء دموکراسی و بین‌المللی‌گرایی برابری‌خواه هستند. معاهدات سازمان جهانی کار — که امروزه به‌طور مستمر از سوی دولت‌های سراسر جهان نقض می‌شوند — برای ما اولویت دارند. ما خود را به دفاع از حقوق کودکان، و دفاع از انسان‌ها در مقابل بردگی جنسی و تمامی شکل‌های سوء استفاده نهادیافته متعهد می‌دانیم.

### 5. توسعه برای آزادی

ما طرفدار توسعه-به‌مثابه-آزادی در اقتصاد جهانی، و مخالف استضعاف ساختاری اقتصادی و تحلیل بردن محیط زیست هستیم. انبساط جاری در بازار جهانی و تجارت آزاد نباید در خدمت منافع نخبگانی مشخص در جهان توسعه‌یافته و همپیمانان‌شان در کشورهای توسعه نیافته درآید. سود عمده‌ای که از طریق انبساط تجارت جهانی حاصل می‌شود باید تا سرحد ممکن برای خدمت به منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران، کشاورزان و مصرف‌کنندگان همه کشورها توزیع شود. جهانی‌سازی باید به معنای یکپارچگی جامعه جهانی و تعهد به عدالت اجتماعی باشد. ما خواهان تحول بنیادی در نهادهای عمده اداره کننده اقتصاد جهانی هستیم (یعنی نهادهایی چون سازمان تجارت جهانی، صندوق جهانی پول، و بانک جهانی)، تا به این وسیله به اهدافی که گفتیم برسیم، و همچنین از تجارت عادلانه، کمک‌های اقتصادی بیشتر، بخشودگی بدهی‌ها و مبارزه برای به تاریخ سپردن فقر حمایت می‌کنیم. توسعه می‌تواند امید به حیات و برخورداری از زندگی را افزایش دهد، مشقت‌های کار را تخفیف دهد و طول روز کاری را بکاهد. توسعه می‌تواند برای جوانان آزادی، برای میان‌سالان امکانات سیاحت، و برای

کهنسالان امنیت فراهم آورد. توسعه افقها و امکان‌های سفر را گسترش می‌دهد و کمک می‌کند که بیگانگان با یکدیگر دوست شوند. توسعه جهانی باید به گونه‌ای صورت‌پذیرد که با رشد و حفظ محیط زیست سازگار باشد.

## 6. مخالفت با ضد-آمریکایی‌گرایی

ما بدون هیچ قید و شرطی ضد-آمریکایی‌گرایی که امروزه تفکر چپ-لیبرال (و برخی محافظه‌کاران) را بیمارگون کرده است، رد می‌کنیم. این‌که ایالات متحده را همچون یک جامعه الگو ببینیم درست نیست. ما از مشکلات و ناکامی‌های چنین دیدگاهی آگاهیم. با این همه چنین دیدگاهی به درجات متفاوت در جای‌جای جهان توسعه‌یافته رواج دارد. ایالات متحده آمریکا کشور و ملتی بزرگ است. آمریکا موطن دموکراسی‌ای قوی با سنتی اصیل در پس آن است و دستاوردهای قانونی و اجتماعی پایداری را به‌نام خود ثبت کرده است. مردم آمریکا فرهنگی پرتراوت را شکل داده‌اند که مایه شادمانی و رجوع و رشک میلیون‌ها نفر بوده است. این‌که سیاست خارجی ایالات متحده اغلب علیه جنبش‌ها و دولت‌های پیشرو، و حامی بدیل‌های ارتجاعی و اقتدارگرای آن‌ها بوده است توجیه نمی‌کند که داوری منفی را به کشور و مردم آمریکا هم تعمیم دهیم.

## 7. راه حل دو-دولتی

ما حق هر دو ملت اسرائیل و فلسطین را برای خودگردانی در چهارچوب یک راه حل دو-دولتی به رسمیت می‌شناسیم. هیچ راه حل معقولی برای منازعه اسرائیلیان-فلسطینیان وجود ندارد که حقوق و منافع مشروع یکی از دوطرف درگیری را نسبت به دیگری تنزل دهد یا نادیده بگیرد.

## 8. علیه نژادپرستی

هم لیبرال‌ها و هم چپ‌گرایان ضدیت با نژادپرستی را از اصول خود می‌دانند. ما با هرگونه رفتار یا داوری نژادگرایانه مخالفیم: با نژادپرستی ضد مهاجران راست افراطی؛ با نژادپرستی قبیله‌ای و درون-قومی؛ نژادپرستی‌ای که علیه مردمانی است که موطن‌شان کشورهای اسلامی بوده است یا با نسل‌های بعدی آن‌ها، به‌ویژه نژادپرستی‌ای که در پس پرده «جنگ علیه ترور» پوشیده شده است. طغیان مجدد یکی از انواع قدیمی نژادپرستی، یعنی یهودستیزی، هنوز به درستی از سوی حلقه‌های چپ و لیبرال پذیرفته نشده است. کسانی از شکایت‌های به‌حق فلسطینیان در سرزمین‌های تحت اشغال اسرائیل سوء استفاده می‌کنند و داوری‌های تبعیض‌آمیز خود علیه ملت یهود را پشت صورت‌بندی "ضد-صهیونیسم" پنهان می‌کنند. نیاز به گفتن ندارد که ما با این‌گونه از نژادگرایی نیز مخالفیم.

## 9. اتحاد علیه ترور

ما با تمامی گونه‌های تروریسم مخالفیم. هدف قرار دادن آگاهانه غیر نظامیان طبق معاهدات بین‌المللی و تمامی مقررات مربوط به جنگ، جنایت شناخته می‌شود و استدلال‌هایی که می‌گویند برخی از این اعمال در شرایطی انجام می‌شوند که عادلانه هستند، قادر به توجیه این جنایت‌ها نیستند. تروریسمی که ملهم از ایدئولوژی اسلام‌گرایان است امروز در همه‌جا شایع شده. این تروریسم ارزش‌های دموکراتیک و آزادی و زندگی مردم بسیاری از کشورها را تهدید می‌کند. وجود این تروریسم داوری تبعیض‌آمیز علیه مسلمانان را، که قربانیان اصلی آن بوده‌اند و شجاع‌ترین مخالفان این نوع تروریسم هم از میان ایشان برخاسته‌اند، توجیه نمی‌کند. اما این تروریسم نیز مانند هر تروریسم دیگری خطری است که باید با آن جنگید نه آن‌که برایش عذر آورد.

## 10. بین‌الملل‌گرایی نوین

ما حامی یک سیاست بین‌الملل‌گرا و خواهان اصلاح قوانین بین‌المللی هستیم – سیاست و اصلاحی که در جهت گسترش دموکراسی در جهان و توسعه جهانی باشد. مداخله انسان‌دوستانه، در صورت لزوم، مشمول نقض حق حاکمیت نمی‌شود، بلکه باید آنرا با معیار حق "مشترک حیات" برای همه مردم سنجید. اگر دولت‌ها در اندازه‌های حداقلی از حق حیات مردمان‌شان محافظت کنند (اگر شکنجه‌شان نکنند، مردم خود را نکشند و قتل عام نکنند، و کمینه‌ترین نیازهای حیاتی‌شان را برآورند)، آن‌گاه حق حاکمیت آن‌ها باید محترم شمرده شود. اما اگر دولت، خود، این حق حیات مشترک را به‌طریق مخوف به خطر اندازد، ادعایش در مورد حق حاکمیت باطل است و جامعه جهانی وظیفه دارد دخالت کند و آن مردم را نجات دهد. همین‌که دولتی چنین اعمال غیر انسانی‌ای را از حد بگذراند، "مسئولیت حمایت" به‌وجود می‌آید.

## 11. صراحت انتقادی

ما با درس گرفتن از تاریخ دفاعیات مصیبت‌بار چپ از جنایات استالین‌یسم و مائوئیسم، و نیز دفاعیات مشابه اخیر (مانند برخی واکنش‌ها به جنایت 11 سپتامبر، عذرآوردن برای بمب‌گذاران انتحاری، و ائتلاف ننگینی که اخیراً در جنبش ضد-جنگ میان چپ و تئوکرات‌های ضدآزادی به وجود آمده)، این مفهوم که هیچ دشمنی در چپ وجود ندارد را رد می‌کنیم. ما همچنین این ایده که پذیرش افراد و ایده‌های راست به‌هیچ‌وجه مقبول نیست را هم رد می‌کنیم. چپ‌گرایانی که با نیروهای ضد-دموکراتیک موضع مشترک می‌گیرند یا از آن‌ها دفاع می‌کنند، باید به‌صراحت و بی‌محابا مورد انتقاد قرار گیرند. در مقابل، ما به صداها و افراد لیبرال یا محافظه‌کار که در تقویت هنجارها و ممارست‌های دموکراتیک و نبرد برای پیشرفت انسانیت می‌کوشند، توجه می‌کنیم.

## 12. حقایق تاریخی

در ارتباط با انگیزه‌های انسان‌گرایانه اساسی جنبش پیشرفت انسانی، ما تأکید می‌کنیم که دموکرات‌های اصیل وظیفه دارند حقایق تاریخی را لحاظ کنند. نه تنها فاشیست‌ها، بلکه منکران هالوکاست نیز کوشیده‌اند حقایق تاریخی را انکار کنند. یکی از مصیبت‌های چپ‌گرایان این است که عمده آبروی خود با نفي حقایق تاریخی به‌پای جنبش کمونیسم بین‌الملل ریختند و برخی از آن‌ها هنوز هم که هنوز است درس نگرفته‌اند. درست‌کاری سیاسی، و صادق بودن برای ما اولویت‌هایی الزامی هستند.

## 13. آزادی عقیده

ما مفهوم آزادی عقیده‌ای را که در سنت لیبرالی هست تأیید می‌کنیم. امروزه، با قیودی که علیه افترا به دیگران، تهمت و انگیزش خشونت، به‌وجود آمده، بیش از هر زمان دیگری دفاع از آزادی عقیده لازم است. مردم باید برای انتقاد از عقاید دیگران آزاد باشند — حتی برای انتقاد از کلیت عقیده ایشان. چنین آزادی‌ای شامل آزادی انتقاد از دین هم می‌شود:

چه ادیان مشخص و چه دین در مفهوم کلی آن. احترام به دیگران، نباید در جایی که عقاید آن‌ها مستوجب انتقاد است، سایرین را به سکوت وادارد.

## 14. منبع باز

به عنوان بخشی از تبادل آزادانه اندیشه‌ها برای ترغیب فعالیت فکری مشترک، ما از گسترش آزادانه نرم‌افزارها و سایر آثار خلاقه حمایت می‌کنیم و با اعمال حق انحصار بر ژن‌ها، الگوریتم‌ها و امور طبیعی مخالفیم. ما با عطف به‌ماسبق کردن دامنه قوانین حقوق مالکیت معنوی در جهت سود بیشتر مالی دارندگان حق تکثیر مخالفیم. الگوی منبع باز الگوی اجتماعی، رقابت‌پذیر، همکارانه و شایسته است. این الگو صرفاً یک ایده نظری نیست، بلکه واقعی‌تر است و منافع جمعی‌ای را به‌وجود آورده که قدرت و استحکامشان در طول دهه‌ها به اثبات رسیده است. در حقیقت همکاری منبع باز، بهترین شکل برای تحقق آرمان‌های دانشگاهی در پژوهش‌های علمی است که در طول قرون به پیشرفت انسان‌ها کمک کرده است.

## 15. میراث ارزشمند

ما با ترس از مدرنیته مخالفیم، با ترس از آزادی مخالفیم، با ناعقلگرایی مخالفیم، با تحت سلطه قراردادن زنان مخالفیم؛ و ما آرمان‌هایی را که انقلاب بزرگ دموکراتیک قرن هجدهم به آن‌ها فراخواند تصدیق می‌کنیم: ما به آرمان آزادی، برابری، و همبستگی؛ حقوق بشر؛ و طلب خوشبختی دوباره شهادت می‌دهیم. این ایده‌های الهام‌بخش میراث‌هایی را پدیدآورده‌اند که همه ما در تبدیل‌های سوسیال-دموکرات، برابری‌خواه، فمینیست و ضد-استعمار در قرن نوزدهم و بیست، میراث‌بر آن‌ها بوده‌ایم — همه مایی که به دنبال عدالت اجتماعی، فراهم کردن رفاه عمومی، و برادری و خواهری همه مردان و زنان جهان بودیم. هیچ‌کدام از این ارزش‌ها نباید فراموش شوند یا کنار گذاشته شوند. ما حامیان این ارزش‌ها هستیم. اما متعصب نیستیم. چرا که ما ارزش‌هایی چون پژوهیدن آزادانه، گفت‌وگوی آزاد و شک‌آوری خلاق را نیز می‌پذیریم، ما به ارزش احتیاط در داور و به مفهوم رام‌شدنی بودن عالم هم باور داریم. ما با تمامی ادعاهای تمامیت‌خواه در مورد حقایق پرسش‌ناپذیر یا اعتراض‌ناپذیر

مخالفين.

## پ- تفاسیل

ما از دموکراسی‌های لیبرال و متکثر در برابر تمامی کسانی که تفاوت چنین حکومت‌هایی را با حکومت‌های توتالیتر و سایر اقسام حکومت‌های استبدادی کمرنگ جلوه می‌دهند دفاع می‌کنیم. اما این دموکراسی‌ها هم ضعیف‌ها و کمبودهای خود را دارند. مبارزه برای گسترش نهادها و روندهای دموکراتیک‌تر، و نبرد برای قدرت بخشیدن به کسانی که نفوذ، و صدا و یا منابع سیاسی کافی ندارند، بخشی همیشگی از برنامه چپ است. بنیادهای اقتصادی و اجتماعی‌ای که دموکراسی‌های لیبرال بر پایه آن‌ها بسط یافته‌اند متأثر از نابرابری‌ای عمیق در ثروت‌ها و درآمدها و بقای امتیازهای ناموجه است. به همین ترتیب، نابرابری‌های جهانی برای وجدان اخلاقی نوع بشر نوعی رسوایی به‌شمار می‌آیند. میلیون‌ها نفر در جهان در فقر سیاه زندگی می‌کنند. هر هفته‌ای که می‌آید و می‌رود ده‌ها هزار نفر — به‌ویژه کودکان — بر اثر بیماری‌های قابل درمان جان می‌سپارند. نابرابری در ثروت، چه در میان افراد و چه در میان کشورها، فرصت‌های زندگی را به نحوی خودسرانه توزیع کرده است. این موارد به مثابه اعلام جرمی شدید علیه جامعه بین‌الملل است. ما چپ‌گرایان، در پیوند با سنت خویش، برای به دست آوردن عدالت و زندگی شرافتمندانه برای همگان مبارزه می‌کنیم. ما همچنین در پیوند با همان سنت، وظیفه داریم که با نیروهای استبدادی قدرتمندی که بار دیگر در حال برآمدن هستند مبارزه کنیم. هر دو مبارزه باید با هم پی‌گیری شوند. هیچ‌کدام را نباید قربانی دیگری قربانی کرد.

ما طرز فکری را که می‌گوید حوادث 11 سپتامبر 2001 تاوان به‌حق یا "قابل فهم"ی بودند که در نتیجه شکایت‌های مشروع از سیاست خارجی آمریکا پدید آمدند، رد می‌کنیم. آنچه در آن روز انجام شد اقدام به یک قتل عام بود که از باورهای بنیادگرایانه نفرت‌انگیز، انگیزه گرفته بود و با هیچ استدلالی از آن دست که آمد هم توجیه‌پذیر نیست. هیچ صورت‌بندی ظفرمرونده‌ای قادر به چنین توجیهی نیست.

حامیان موسس این بیانیه درباره دخالت نظامی در عراق دیدگاه‌های متفاوتی دارند، در میان ما هم موافقان و هم مخالفان این دخالت یافت می‌شوند. ما می‌پذیریم که عدم موافقت با توجیه‌های این دخالت، مخالفت با شیوه‌ای که این دخالت صورت گرفت، مخالفت با نقشه‌های پس از دخالت (یا اعتراض به نبود آن‌ها)، و مخالفت با چشم‌انداز انجام تغییرات دموکراتیک می‌توانند منطقی و معقول باشند. با این‌همه، ما درباره ماهیت ارتجاعی و شبه-فاشیست دولت بعثی عراق اشتراک نظر داریم و سرنگونی این رژیم را به‌مثابه رهایی مردم عراق می‌دانیم. همچنین ما به یک‌سان فکر می‌کنیم که از روز سرنگونی رژیم عراق، شایسته‌ترین دغدغه لیبرال‌ها و چپ‌گرایان اصیل باید این بوده باشد که نگران استقرار یک نظم سیاسی دموکراتیک در عراق باشند که بر مبنای آن زیرساخت‌های این کشور بازسازی شود و دغدغه‌شان باید این باشد که، پس از چندین دهه وحشیانه‌ترین سرکوب‌ها، برای عراقیان زندگی‌ای در حد کسانی که در کشورهای دموکراتیک می‌زیند فراهم شود — نه این‌که نیروهای لیبرال و چپ به پس‌مانده‌های استدلال‌های مربوط به دخالت یا عدم دخالت مشغول بمانند.

این دیدگاه نه تنها ما را در مقابل برخی از چپ‌گرایانی قرار می‌دهد که فعالانه در حمایت از راهزنان آدم‌کش بعثی و جهادی موسوم به مقاومت داد سخن می‌دهند، بلکه ما با دیگرانی هم که می‌کوشند خود را جایی بین این راهزنان و کسانی قرار دهند که برای ساختن یک زندگی دموکراتیک در عراق تلاش می‌کنند، مخالفیم. ما همچنین با این گرایش هم مخالفیم که صرفاً به تأیید زبانی غایت رسیدن به عراقی دموکراتیک اکتفا می‌کند ولی تمام هم و غم خود را به انتقاد از حریف سیاسی‌اش اختصاص می‌دهد (و او را مسئول تمام مشکلات عراق می‌شمارد)، و در موقع لازم در مقابل اعمال زشت "شورشیان" عراق تقریباً هیچ نمی‌گوید. بسیاری از چپ‌گرایان مخالف تغییر در رژیم عراق که نتوانسته‌اند بفهمند چه ملاحظاتی باعث شد چپ‌گرایانی دیگر از این تغییر حمایت کنند — مرتدان و تکفیر شدگانی که به سختی مبارزه می‌کنند و خواهان بخشایش و پذیرش توبه‌شان هم نیستند — به ارزش‌های دموکراتیکی که خود مدعی‌اش هستند خیانت می‌کنند.

در اروپا حمله به یهودیان و کنیسه‌ها و قبرستان‌هایشان در حال افزایش است. "ضدیت با صهیونیسم" اکنون به جایی رسیده که برخی گروه‌های منتسب به چپ به‌گرمی پذیرای سخنرانان یهودستیز می‌شوند تا با گروه‌های یهودستیز ائتلاف کنند. در میان مردمان فرهیخته و توانمند افرادی یافت می‌شوند که بی هیچ آرمی ادعا می‌کنند که جنگ عراق به‌خاطر منافع یهودیان برپا شد، و یا اوهام "مودبانه" و ظریف دیگری را درباره تأثیر زیان‌بار یهودیان بر سیاست‌های ملی و بین‌المللی می‌پراکنند — اشاراتی که هیچ کس نمی‌تواند در زمانی که بیش از پنجاه سال از هالوکاست گذشته است آن‌ها را مرتکب شود، بی‌این‌که برای خودش رسوایی عام بخرد. ما با تمامی انواع این تعصبات مخالفیم.

نقض معیارهای حقوق اولیه بشر در ابوغریب و گوانتانامو باید به‌دلیل آن‌چه هست صریحاً محکوم شود: این

اعمال انحرافی از اصول جهان‌شمولی هستند که خود کشورهای دموکراتیک به‌ویژه ایالات متحده برای مستقر کردن‌شان از اعتبار تاریخی بیشتری برخوردارند. اما ما برخورد دوگانه‌ای را هم که امروزه بسیاری از چپ‌گرایان در پیش گرفته‌اند محکوم می‌کنیم؛ برخوردی که نقض حقوق بشر در دموکراسی‌ها را هم‌چون بدترین موارد نقض حقوق بشر می‌انگارد در حالی‌که تخلف‌ها و تعدی‌های سایرین را یا نادیده می‌گیرد و یا کوچک می‌شمارد. چنین گرایشی به‌آن‌جا رسیده که حتی سخن‌گویان رسمی «عفو بین‌الملل»، نهادی که با دهه‌ها فعالیت فوق‌العاده ارزشمند احترام بسیار و جهانی یافته است، در اعلامیه‌های خود می‌توانند به مقایسه مضحک میان گوانتانامو و گولاگ بپردازند، می‌توانند ادعا کنند که معیارهای قانون‌گذاری ایالات متحده و سایر دموکراسی‌های لیبرال درگیر در جنگ علیه ترور نسبت به همه آن‌چه که ما در 50 سال اخیر دیده‌ایم آسیب بیشتری به ارزش‌ها و قواعد حقوق بشر می‌زند، و «عفو بین‌الملل» به‌خاطر چنین اظهار نظرهایی مورد حمایت بخش‌های خاصی از چپ و لیبرال‌ها قرار می‌گیرد.

## ت- جمع‌بندی

در شرایط کنونی برای آینده سیاست پیشرو اهمیت حیاتی دارد که لیبرال‌ها، برابری‌خواهان و کسانی که چشم‌اندازی بین‌الملل‌گرا در نظر دارند، صریح سخن بگویند. ما باید خود را در برابر کسانی که برایشان کلیت برنامه پیشرو و دموکراتیک به "ضدیت با امپریالیسم" پوشالی و ساده‌انگارانه و/یا دشمنی با حاکمان کنونی آمریکا تقلیل یافته است، باز تعریف کنیم. ارزش‌ها و هدف‌هایی که بر سازندگان حقیقی برنامه پیشرو و دموکراتیک هستند – ارزش‌های دموکراتیک، حقوق بشر، و مبارزه مداوم با امتیازها و قدرت‌های نامشروع، همبستگی با مردمانی که علیه استبداد و استضعاف می‌جنگند – ارزش‌ها و هدف‌هایی هستند که شاکله چپ‌گرایی را که ارزش تعلق دارد تعیین می‌کنند.